



× خارج از مرز

خبرگزاری UPI چند ماه پس از سقوط خرمشهر، در گزارشی نوشته بود که روستاهایی که در اطراف خرمشهر به تسخیر عراق درآمده‌اند، در حال تبدیل شدن از «ایرانی به عراقی» هستند. خبرنگار UPI به سراغ برخی از این روستاها در شمال خرمشهر رفته بود؛ جایی که دولت عراق پروژه‌هایی چندمیلیون دلاری را برای بازسازی «خانه‌ها، مدرسه‌ها، جاده‌ها، یک بیمارستان و دیگر زیرساخت‌ها» کلید زده بود. خبرنگار می‌گفت ساخت و سازی که آغاز شده، برای اهالی عرب‌زبان این مناطق که حاضر به زندگی زیر پرچم عراق شده‌اند، شغل ایجاد کرده است. همچنین بانک‌های عراقی در این روستاها فعال شده بودند و یک مقام عراقی می‌گفت، دولت حزب بعث، آن دسته از افرادی را که به دلیل مشکلات جسمی قادر به کار نبودند، تحت حمایت خود گرفته است. همچنین به گفته‌ی او در این مناطق، مدارس با «سیستم عربی‌زبان [دولت] عراق»، به جای سیستم ایرانی، فعالیت می‌کردند. برخلاف ادعای این خبرگزاری مدتی بعد که شهر آزاد شد معلوم شد ارتش عراق چیزی جز ویرانی برای خرمشهر به ارمغان نیاورده بود.

Ⓣ خرمشهر ویران پس از آزادی. باور آن‌چه از ویرانی در شهر دیده می‌شد سخت بود. هویزه نیز که در مرحله‌ی دوم عملیات بیت المقدس آزاد شد، وضعی بدتر داشت و چیزی از شهر باقی نگذاشته بودند.



پرده‌ی چهارم. عملیات نصر

بنی‌صدر به نیروهای مردمی و غیر ارتشی نگاه خوبی نداشت و می‌گفت: «عده‌ای راه افتاده‌اند که بله اسلحه‌ی سنگین را به خود مردم بدهید، به غیر ارتش بدهید، مردم می‌جنگند و پیروز می‌شوند. مثل مادری فکر می‌کنند که بچه‌اش را در آهنگری برده بود و می‌گفت به محضی که آهن را در کوره گذاشتند و نرم شد، دراز کنی میخ می‌شود، پهن کنی بیل می‌شود. بگذارید اهل خبره کارشان را بکنند و جنگ را به نتیجه برسانند.»

× در جست‌وجوی پیروزی

هرچند عراق به هدف‌هایش از تهاجم نرسیده بود و پیش‌بینی‌هایش اشتباه از آب درآمد اما به هر حال کیلومترها در خاک ایران پیشروی کرد و تلخی اشغال، ایرانی‌ها را آزار می‌داد.

در ایران، امام خمینی فرماندهی نیروهای مسلح را به رئیس‌جمهور بنی‌صدر داد؛ روحانی‌زاده‌ای همدانی که در دانشگاه تهران حقوق و اقتصاد خوانده بود، در سورین فرانسه دکترا گرفت، قبل از سال ۴۲ عضو جبهه‌ی ملی و بعد از آن بیش‌تر در پاریس ساکن بود. از پاریس با امام به تهران آمد و سال ۵۹ با حدود یازده میلیون رأی

اولین رئیس‌جمهور ایران شد. او به گفته‌ی بسیاری در زمینه‌ی مسائل نظامی آگاهی چندانی نداشت و بعدها خودش نیز در برابر انتقادها به این موضوع اشاره کرد که او سررشته‌ای در امور نظامی نداشته و تنها تلاش کرده است که کار را به متخصصان نظامی بسپارد. با این حال در آن روزها او محور بسیاری از تصمیمات

جنگی بود. چالش دیگر، چالش سیاسی غلیظ در ایران بود. رئیس‌جمهور در پایتخت در رقابت و رویارویی سختی با حزب جمهوری اسلامی و سران آن و نخست‌وزیر رجایی قرار داشت و این مسئله حتی گاه پررنگ‌تر از مسائل

۱۵ دی‌ماه

آغاز عملیات نصر، شکست پس از پیروزی اولیه؛ هویزه هم اشغال شد.

جنگ می‌شد و بر آن سایه می‌انداخت. ناکامی بنی‌صدر در آزادی مناطق اشغالی انتقادها از او را بیشتر می‌کرد و کامیابی‌اش در این موضوع می‌توانست بر قدرت و محبوبیتش فوق‌العاده بیفزاید. مردم از بنی‌صدر پیروزی می‌خواستند. بنی‌صدر هم از فرماندهان ارتش راهکار می‌خواست و به آن‌ها می‌گفت: «من دیگر نمی‌توانم مقابل نظر و خواسته‌ی مردم و رهبران مذهبی مقاومت کنم. یا طرحی تهیه و اجرا کنید یا بروید در رسانه‌های گروهی صریحاً علت عدم امکان عملیات آفندی را برای مردم توضیح دهید.» با این‌گونه فشارها